

مدلی برای راهاندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی

سید مرتضی عظیمزاده^{۱*}، محمد احسانی^۲، اسدا... کردنائیج^۳، هاشم کوزه‌چیان^۴، برندا پیتز^۵
^۱ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد^{۲،۳،۴}، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس^۵، استاد دانشگاه جورجیا استیت

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۳/۰۷

چکیده

هدف: امروزه، کسب و کارهای کوچک و متوسط از راهکارهای بسیار اساسی برای توسعه همه جانبه یک کشور محسوب می‌شوند بنابراین، شناخت عوامل درگیر در ایجاد آنها مهم است. از این رو این پژوهش، به دنبال بررسی عوامل مؤثر در ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی است.

روش‌شناسی: جامعه پژوهش، کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی بودند (۱۵۰۰ شرکت) که مالکان و یا مدیران آنها به عنوان نمونه پژوهش (۲۵۸ نفر)، انتخاب و به روش تصادفی ساده نمونه‌گیری شدند. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه عوامل فردی شامل شخصیت کارآفرینانه (۰/۷۷ =)، مهارت‌های کارآفرینانه (۰/۷۵ =)، پرسشنامه عوامل محیطی (۰/۷۷ =)، پرسشنامه تأمین سرمایه (۰/۷۷ =) و پرسشنامه صلاحیت ایجاد کسب و کار (۰/۸۱ =) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی مناسب (ضریب همبستگی پیرسون، کلموگروف اسمیرنوف)، همچنین معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos16 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که هر سه عامل فردی، محیطی و سرمایه‌ای با ایجاد کسب و کار رابطه مثبت و معنی‌داری دارند؛ با وجود این، برازش مدل تحقیق نشان داد که تنها عامل فردی توانست در ایجاد کسب و کار ورزشی نقش مؤثری ایفا کند؛ هرچند، عامل محیطی نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق عامل فردی بر آن تأثیر گذاشت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش، بر اهمیت عوامل فردی در توفیق ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: کسب و کارهای ورزشی، راهاندازی، عوامل مؤثر، کارآفرینی.

* E-mail: mortezaazimzade@um.ac.ir

مقدمه

یکی از موضوعاتی که با بحث کارآفرینی گره خورده، موضوع کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) است. شرکت‌های کوچک و متوسط، امروزه عامل عمده رشد ساختار صنعتی بسیاری از کشورها محسوب می‌شوند. این صنایع، برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه که درصدد احیای ساختار اقتصادی خود هستند، بسیار حائز اهمیت است. این بنگاه‌های اقتصادی، با وجود آنکه به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند، بازدهی بیشتری داشته، در اشتغال‌زایی، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند (خدمی، ۱۳۸۷). تحقیقات نشان داده است که شرکت‌های کوچک و متوسط، اکثریت شرکت‌های فعال در کشورهای در حال توسعه و بازار اشتغال را تشکیل می‌دهند (حاج کریمی و همکاران، ۱۳۸۸). به عنوان مثال، ۸۴/۴٪ از جمعیت ژاپن در سال ۱۹۸۱ در بخش صنایع کوچک شاغل بوده‌اند و ۹۰٪ از اشتغال‌زایی در فرانسه بین سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، مربوط به بخش صنایع کوچک بوده است و در سال ۱۹۸۱، ۹۹٪ از صنایع آلمان را واحدهای کوچک و متوسط تشکیل داده‌اند. آمار کشور خودمان نیز بیانگر اهمیت این بخش است. در سال ۱۳۷۶، ۹۴/۵٪ از کل صنایع ایران، کوچک و متوسط بوده‌اند؛ ضمن اینکه در همان سال، ضایعات مواد اولیه در صنایع کوچک ۱۰/۵٪ و در صنایع سنگین ۲۳٪ اعلام شده است (احمدپورداریانی و مقیمی، ۱۳۸۸).

در کشور ما در شرایط فعلی، به دلایل متعدد مانند بهره‌وری پایین و گرایش به تعدیل نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی و از دیگر سو، خیل تازه‌واردان به عرصه کار، بیکاری به یک معضل بزرگ اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است (داوری و رضائی، ۱۳۸۵). همچنین، گسترش بی‌رویه دانش‌آموختگان در سال‌های اخیر از یک سمت و فقدان توانایی بازار کار در جذب آن‌ها از سوی دیگر، مشکلات عدیده‌ای را برای فارغ‌التحصیلان به همراه داشته است؛ شایان توضیح است که سالانه حدود هشتصد هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند که بیشتر آنها را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). همچنین، طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ ذخیره بیکاران با مدرک دانشگاهی با رشد متوسط سالانه ۲۰ درصد از ۵۸ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳۷۳ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است که بیانگر بیش از ۵۴۰ درصد افزایش در ذخیره بیکاری این گروه از بیکاران است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این روند بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی بیشتر است (پورکاظمی، ۱۳۸۸). این روند رو به افزایش در بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از جمله رشته‌های تربیت بدنی می‌تواند زنگ خطر بزرگی برای برنامه‌ریزان و مسئولان باشد. آنچه مسلم است، سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی دولتی، ظرفیت پذیرش خیل عظیم فارغ‌التحصیلان رشته تربیت‌بدنی را که همه‌ساله به تعداد آنها نیز افزوده می‌شود - ندارند؛ و این افراد باید در جایی دیگر و به نحوی دیگر برای خود اشتغال‌زایی کنند.

از سوئی، امروزه، گذران اوقات فراغت با تکیه بر ورزش، در حال گسترش است و این روند می‌تواند در جهت ایجاد شغل‌های جدید ورزشی مثمرتر باشد. به عنوان مثال، در این زمینه می‌توان به تحقیق کمیته المپیک پورتوریکو اشاره داشت که بیان کرده است، تقاضاهای مرتبط با فعالیت‌های ورزشی، سالانه ۷۰۰ میلیون دلار بوده است. در سال ۲۰۰۸، فعالیت‌های مرتبط با ورزش، بالغ بر ۱۰۰۰۰ شغل را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد محلی حمایت کردند. این شغل‌ها، بیش از ۱۵۰ میلیون دلار به کارکنانش پرداخت کرده که تأثیر اقتصادی آن بیش از ۳۰۰ میلیون دلار در سال بوده است. به‌علاوه، این تحقیق نشان داد که در سال ۲۰۰۸، خرده‌فروشی و فعالیت‌های تجاری مرتبط ورزشی، ۲۴۹ میلیون دلار فروش داشته‌اند (کاریبین بی‌زینز، ۲۰۱۰). بنابراین، حضور کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی می‌تواند راهکار بسیار مناسبی برای برون‌رفت از معضلی به نام بیکاری فارغ‌التحصیلان ورزشی باشد. از سوئی، مشخص کردن عوامل مهم ایجاد کسب و کارها ورزشی، می‌تواند قبل از ایجاد کسب و کار، به شروع کنندگان، شناخت خوبی دهد و آن‌ها را در جهت موفقیت یاری کند. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که اقدام این تحقیق در مورد شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی خواهد توانست گام مهمی در جهت ایجاد آگاهی‌های لازم برای کارآفرینان ورزشی و دانش‌آموختگان ورزشی بردارد.

البته، ایجاد این‌گونه از کسب و کارها به یک سری از عوامل وابسته است. از این‌رو، به بررسی پیشینه تحقیق پرداخته شد. از جمله تحقیقات انگشت‌شماری که در داخل کشور و در مورد عوامل مؤثر بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط به انجام رسیده‌اند؛ می‌توان به تحقیق گلرد (۱۳۸۴) اشاره داشت که در بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی و کسب و کار زنان ایرانی سه عامل را مطرح کرد: عوامل فردی، شبکه‌ای (شبکه اولیه و شبکه ثانویه) و عوامل محیطی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیکی)؛ این محقق، به این نتیجه رسید که عوامل فردی مهم‌تر از سایر عوامل است. همچنین ایشان متذکر شد که شرایط محیطی کشور برای کسب و کار زنان، مساعد و سوق‌دهنده نبوده است. آراستی (۱۳۸۵) نیز در تحقیق خود عامل نگرش موافق اطرافیان به کارآفرین را به عنوان یکی از عوامل فرهنگی- اجتماعی در ایجاد کسب و کار مؤثر دانسته است. مقیمی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی مهارت‌های کارآفرینی و اثربخشی سازمانی کسب و کارهای کوچک و متوسط پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین مهارت‌های شخصی، ارتباط و فرایندی مدیران و اثربخشی کسب و کارهای مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود داشته است. در تحقیقی دیگر، بهجت (۱۳۸۷) به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اشتغال‌زایی در بین مددجویان

کمیتۀ امداد یزد پرداخت و سه عامل فردی (رفتاری)، شرایط محیطی (زمینه‌ای)، و حکومتی (ساختاری) را در ایجاد کسب و کار مؤثر دانست.

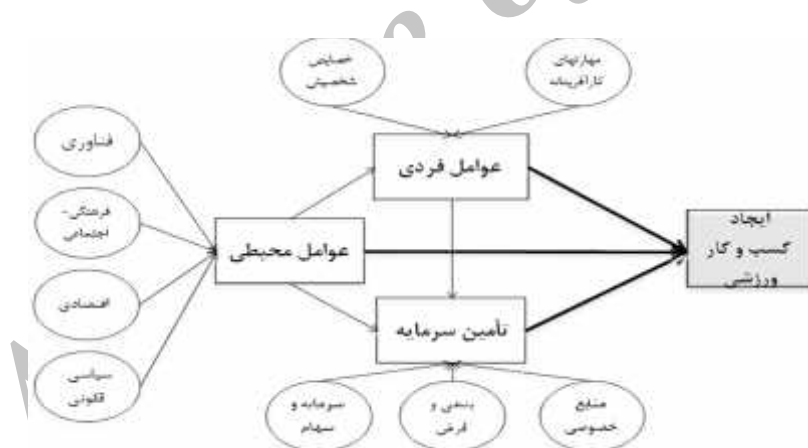
گارتنر^۱ (۱۹۸۵) از جمله محققان پیشگام در مورد بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط است. وی، در مدل خود چهار عامل را در ایجاد کسب و کارهای مخاطره‌ای جدید مؤثر دانسته است که عبارت‌اند از: افراد، سازمان، محیط و فرایند ایجاد. از تحقیقات دیگری که به گونه‌ای مفصل به بررسی ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط پرداخته‌اند باید به مازراول و همکاران^۲ (۱۹۹۹)، اشاره کرد؛ آن‌ها به این نتیجه رسیدند که عوامل فردی و محیطی از جمله عوامل اصلی به شمار می‌روند. مک فی^۳ (۲۰۰۰)، نیز در مدل خود عواملی را در رفتار کارآفرینانه دخیل دانسته است که عبارت‌اند از: عوامل زمینه‌ای اقتصادی-اجتماعی، عوامل وضعیتی و عوامل فردی. محققان دیگری چون پارکر و بلگیتار^۴ (۲۰۰۶) ابراز داشتند که ویژگی‌های فردی و اقتصادی با توفیق در ایجاد کسب و کار مخاطره‌ای همراه است. اما از جمله تحقیقات مهم در این زمینه تحقیق اسمیت^۵ (۲۰۰۸)، است؛ وی پس از یک مطالعهٔ مروری بر ادبیات تحقیق ایجاد کسب و کار، این عوامل را مؤثر دانست: عوامل مالی، فردی، اقتصادی و عوامل دولتی. مدل ارائه‌شدهٔ شوارز و همکاران^۶ (۲۰۰۹) نیز بار دیگر به تعامل دو عامل فرد و محیط در قصد کارآفرینانه تأکید داشت. همچنین ویلیاموس و تزرمس^۷ (۲۰۱۱) نیز در تحقیق خود وجود سه عامل را در ایجاد کسب و کار مشخص کردند: عامل محیطی، موجودیت سرمایه و داشتن مهارت‌های مختلف و تحصیلات. استریپیکیز^۸ (۲۰۱۱) نیز اعلام کرد که عامل محیط، بر ایجاد کسب و کار تأثیر دارد. همچنین چان و کیوا^۹ (۲۰۱۲) عوامل سوق‌دهنده‌ای از قبیل کسب و کار خانوادگی، موجودیت و آمادگی منابع (زمین و ساختمان)، قابلیت بازار و فرصت‌های موجود برای کسب و کار، تأثیر دوستان و خانواده و کسب سود؛ همچنین عوامل جذب‌کننده‌ای چون نگرش‌های فردی، تجربهٔ قبلی و علاقهٔ فردی را در ایجاد کسب و کار مهم دانسته‌اند.

با توجه به پیشینهٔ تحقیق، می‌توان پژوهش‌های موجود در این زمینه را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: دستهٔ اول تحقیقاتی است که تمرکزشان بر فرد یا کارآفرین به عنوان عاملی تأثیرگذار بر فرایند کارآفرینی و ایجاد کسب و کار است. لازم به توضیح است که دسته‌ای از این

-
1. Gartner
 2. Mazzarol et al.
 3. McPhee
 4. Parker & Belghitar
 5. Smith
 6. Schwarz et al.
 7. Vliamos & Tzeremes
 8. Stripeikis
 9. Chan & Quah

تحقیقات به متغیرهای شخصیتی (گارتنر، ۱۹۸۵)؛ دسته‌ای به متغیرهای مهارت‌های کارآفرینانه (مقیمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ ویلیاموس و تزمس، ۲۰۱۱) و تعدادی نیز به متغیرهای جمعیت‌شناختی و صبغهای (مازارول و همکاران، ۱۹۹۹) به عنوان عوامل فردی اشاره داشته‌اند. دسته دوم از تحقیقات، به عوامل محیطی به عنوان عامل مهم در این فرایند اشاره می‌کنند و به عبارتی محیط و شاخصه‌های آن را (سیاست، اجتماع و فرهنگ، اقتصاد و فناوری) مهم‌تر از عوامل فردی می‌دانند. هر چند، تعدادی از محققان، حضور هر دو عامل فرد و محیط را در تعامل با یکدیگر برای توضیح فرایند کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط لازم و ضروری دانسته‌اند (مازارول و همکاران، ۱۹۹۹؛ استریپیکیز، ۲۰۱۱). دسته سوم نیز به عامل سرمایه اولیه برای راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط اشاره داشته‌اند و آن را عاملی مهم و تأثیرگذار به تنهایی و یا در کنار دو عامل دیگر (فرد و محیط) معرفی کرده‌اند (اسمیت، ۲۰۰۸).

از این‌رو، مدل مفهومی تحقیق با توجه به رویکردهای موجود در پیشینه تحقیق و با تجمیع اکثریت عوامل تأثیرگذار بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط شکل گرفت. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این مدل، سه عامل اصلی در ایجاد کسب و کار کوچک و متوسط ورزشی مهم تلقی شده است که عبارت‌اند از: عامل محیطی، فردی و سرمایه‌ای. این عوامل از زیربخش‌هایی تشکیل شده‌اند. به عنوان مثال عامل محیطی از زیربخش‌هایی مثل سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و فناوری تشکیل شده است. عامل فردی نیز دربرگیرنده زیربخش‌هایی مثل ویژگی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های کارآفرینانه است؛ بالاخره، عامل سرمایه نیز از زیربخش‌هایی مثل منابع خصوصی (شامل منابع مالی شخصی، دوستان و خانواده)، سرمایه و سهام (افراد و شرکت‌های مخاطره‌پذیر)، و قرض و بدهی (دریافت وام از بانک‌ها و موسسات مالی) تشکیل شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

بنابراین، بر اساس مدل مفهومی پژوهش، محقق با در نظر گرفتن این سؤال اصلی تحقیق که عوامل مؤثر بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی کدام‌اند؟ به عبارتی به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: چه ارتباطی بین عوامل فردی، محیطی و سرمایه‌ای با ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش را کسب و کارهای کوچک و متوسط^۱ ورزشی تهران تشکیل دادند. از بین این شرکت‌ها، تولیدکننده‌ها و توزیع‌کننده‌های عمده، مورد نظر قرار گرفتند. از بین ۱۵۰۰ شرکت مورد نظر، ۳۱۱ نفر از طریق فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند که ۲۵۸ پرسشنامه قابل بررسی، در تحلیل به کار رفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بود که از پنج بخش تشکیل شد؛ شامل بخش اطلاعات فردی؛ پرسشنامه عوامل فردی از پرسشنامه تعدیل شده ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان کرونایچ و همکاران (۱۳۸۶)، (۰/۷۷)؛ و پرسشنامه محقق ساخته مهارت‌های کارآفرینانه (۰/۷۵)؛ تشکیل شد؛ همچنین از پرسشنامه‌های محقق ساخته عوامل محیطی (۰/۸۶)؛ و تأمین سرمایه اولیه (۰/۷۴)؛ و پرسشنامه تعدیل شده صلاحیت ایجاد کسب و کار آندرسون و دانکلبرگ^۲ (۱۹۹۰)، (۰/۸۱) بهره گرفته شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از لحاظ محتوا و ظاهر، تعدادی از پرسشنامه‌های تحقیق، بین صاحب‌نظران کسب و کارهای کوچک و متوسط و استادان دانشگاه در رشته مدیریت، کارآفرینی و مدیریت ورزشی توزیع شد و بر اساس نظرات آن‌ها روایی پرسشنامه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همچنین از تحلیل عامل اکتشافی با هدف بررسی روایی سازه پرسشنامه و در صورت لزوم حذف برخی گویه‌های کاهنده این روایی (گویه‌هایی با مقادیر اشتراک استخراجی کمتر از ۰/۵) اقدام شد که نتایج نشان داد، تمام گویه‌ها، سازه مورد نظر خود را می‌سنجند. در ادامه، از تحلیل عامل تأییدی به منظور تأیید ساختار عاملی هر کدام از مدل‌های اندازه‌گیری فرض شده در مدل مفهومی تحقیق استفاده شد، بر این اساس، برای آزمون قدرت و معنی‌داری سهم هر یک از متغیرها در اندازه‌گیری هر کدام از سازه‌ها، از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم افزار آموس ۱۶ به شرح زیر استفاده شد:

۱. در این تحقیق، بر اساس تعریف مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، کسب و کارهای زیر ۵۰ نفر کارگر، به عنوان کسب و کارهای کوچک و متوسط لحاظ شدند.

2. Anderson & Dunkelberg

الف. تحلیل عامل تأییدی برای عامل فردی

در این پژوهش، عامل فردی در مدل مفهومی از دو شاخص شخصیت کارآفرینانه و مهارت‌های کارآفرینانه تشکیل شد که به بررسی قدرت سنجش گویه‌های هر کدام از آن‌ها با روش تحلیل عامل تأییدی پرداخته شد.

الف-۱. تحلیل عامل تأییدی برای شاخص شخصیت کارآفرینانه

در بررسی این شاخص و برای بررسی سهم و قدرت هر کدام از گویه‌ها مشخص شد که ضرایب برآورد شده مسیر، از لحاظ آماری معنی‌دار است. بر طبق نظر قاسمی (۱۳۸۹) اگر RMSEA (ریشه دوم مربعات خطای برآورد)؛ $0/05$ و کمتر از آن باشد، مدل خیلی خوب است که این شاخص، در مدل حاضر برابر با $0/05$ بود. همچنین، شاخص‌های دیگر نظیر CFI (برازش تطبیقی)، IFI (برازش افزایشی)، NFI (برازش هنجار شده بتلر- بونت)، GFI (شاخص نیکویی برازش) و AGFI (شاخص نیکویی برازش بهنجار شده) به ترتیب عبارت بودند از: $0/95$ ، $0/95$ ، $0/89$ ، $0/94$ و $0/89$. این مقادیر، در کل بیانگر آن است که شاخص شخصیت کارآفرینانه با شانزده سؤال، از روایی سازه بسیار خوبی برخوردار است.

الف-۲. تحلیل عامل تأییدی برای شاخص مهارت کارآفرینانه

برای این متغیر، شاخص RMSEA، $0/04$ است که نشان‌دهنده برازندگی خیلی خوب است. همچنین شاخص‌های دیگر نظیر CFI، IFI، NFI، GFI و AGFI به ترتیب عبارت بودند از: $0/99$ ، $0/99$ ، $0/97$ ، $0/95$ و $0/98$. این مقادیر، در کل بیانگر آن است که شاخص مهارت کارآفرینانه با هفت سؤال از روایی سازه بسیار خوبی برخوردار است.

ب. تحلیل عامل تأییدی برای عامل محیطی

شاخص RMSEA، $0/07$ است که نشان‌دهنده برازندگی قابل قبول است. همچنین شاخص‌های دیگر نظیر CFI، IFI، NFI، GFI و AGFI به ترتیب عبارت بودند از: $0/9$ ، $0/9$ ، $0/83$ ، $0/83$ و $0/88$. این مقادیر، در کل بیانگر آن است که عامل محیطی با ۲۴ سؤال از روایی سازه قابل قبولی برخوردار است.

ج. تحلیل عامل تأییدی برای عامل تأمین سرمایه

شاخص RMSEA، $0/02$ است که نشان‌دهنده برازندگی خیلی خوب است. همچنین شاخص‌های دیگر نظیر CFI، IFI، NFI، GFI و AGFI به ترتیب عبارت بودند از: $0/99$ ، $0/99$ ، $0/98$ ، $0/97$ و $0/99$. این مقادیر، در کل بیانگر آن است که عامل تأمین سرمایه با پنج سؤال از روایی سازه بسیار خوبی برخوردار است.

د. تحلیل عامل تأییدی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی

شاخص RMSEA، ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده برازندگی خیلی خوب است. همچنین شاخص‌های دیگر نظیر CFI، IFI، NFI، GFI و AGFI به ترتیب عبارت بودند از: ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۰/۹۹ و ۰/۹۶. این مقادیر، در کل بیانگر آن است که شاخص ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی با پنج سؤال از روایی سازه بسیار خوبی برخوردار است.

برای بررسی متغیرهای شخصیت، مهارت‌های کارآفرینانه و صلاحیت ایجاد کسب و کار از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵)؛ برای عامل محیط از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵ تا خیلی کم=۱)؛ و برای سرمایه اولیه از طیف لیکرت هفت‌گزینه‌ای (تماماً=۷ تا اصلاً=۱) استفاده شد. برای بررسی داده‌ها از آمار توصیفی مناسب، آمار استنباطی (شامل ضریب همبستگی پیرسون و کلوموگروف-اسمیرنوف)، با نرم‌افزار SPSS16، همچنین برای برازش مدل مفهومی تحقیق از معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار AMOS16 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، ۲۵۸ نفر به عنوان نمونه، شرکت داشتند که ۹۷ درصد مرد و ۳ درصد زن بودند. سطح تحصیلات نمونه‌ها عبارت بود از: زیر دیپلم (۲۰ درصد)، دیپلم (۵۴ درصد)، فوق دیپلم (۸ درصد)، لیسانس (۱۲ درصد)؛ و فوق لیسانس (۵ درصد) (جدول ۱). همچنین، میانگین سنی نمونه‌های پژوهش ۴۱ سال بود.

جدول ۱. آمار توصیفی نمونه‌های تحقیق

متغیرهای جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت		
مرد	۲۵۰	۹۶/۹
زن	۸	۳/۱
زیر دیپلم	۵۱	۱۹/۸
دیپلم	۱۴۰	۵۴/۳
فوق دیپلم	۲۱	۸/۱
لیسانس	۳۲	۱۲/۴
فوق لیسانس	۱۴	۵/۴
جمع کل در هر متغیر	۲۵۸	۱۰۰٪

علاوه بر این، از ضریب همبستگی پیرسون برای نشان دادن ارتباط این عوامل در کنار هم با ایجاد کسب و کار، استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که همه عوامل مورد نظر با ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی، رابطه مثبت و معنی‌داری داشتند ($p < ۰/۰۱$) (جدول ۲). لازم

به توضیح است که یکی از فروضیه‌های اصلی برای استفاده از آزمون پیرسون طبیعی بودن توزیع داده‌ها است. برای این منظور، از آزمون کلوموگروف اسمیرنف استفاده شد که نتیجه آزمون، طبیعی بودن داده‌ها را نشان داد ($p > 0/05$).

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین ایجاد SMSEs و متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	m	sd	۱	۲	۳	۴
۱. ایجاد	۴/۰۶	۰/۵۷	۱			
۲. محیط	۳/۹	۰/۵۱	۰/۲۴	۱		
۳. سرمایه	۱/۷۵	۰/۶۴	۰/۱۸	۰/۲۴	۱	
۴. فرد	۴/۰۶	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۲۹	۰/۲۳	۱

در ادامه، آثار بین متغیرهای اصلی تحقیق در مدل، بر اساس نتایج حاصل از نرم‌افزار Amos مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. تأثیر عوامل تحقیق بر ایجاد SMSEs

تأثیر مستقیم عوامل اصلی تحقیق بر ایجاد SMSEs						
نام گزارش	وزن رگرسیونی استاندارد	وزن رگرسیونی غیراستاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	P	
عامل فردی	۰/۷۴	۰/۷۱	۰/۱۸	۳/۹۹	۰/۰۰۱	
عامل محیطی	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۵	۰/۰۵	-۰/۶۹	۰/۹۴	
عامل تأمین سرمایه	۰/۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۸۹	
تأثیر مستقیم عوامل اصلی تحقیق بر یکدیگر						
تأثیر عامل فردی	۰/۳۷	۰/۲۴	۰/۰۸	۲/۹۸	۰/۰۰۳	
محیطی بر سرمایه	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۱۳	۱/۸۳	۰/۰۷	
تأثیر عامل فردی بر سرمایه	۰/۳۵	۰/۷۲	۰/۲۴	۳/۰۱	۰/۰۰۳	
تأثیر غیرمستقیم عوامل اصلی تحقیق بر ایجاد SMSEs						
تأثیر محیط از طریق عامل فردی	۰/۲۸	۰/۲۳	۰/۱۱	۱/۷۵	۰/۰۴	
تأثیر عامل فردی از طریق سرمایه	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۶	۰/۱۶	۰/۷۸	
$GFI=0/92$; $AGFI=0/87$; $NFI=0/83$; $IFI=0/88$; $CFI=0/88$; $RMSEA=0/08$; $2=187/67$						شاخص‌های پذیرش

نتایج به‌دست آمده از معادلات Amos در جدول ۳ نشان می‌دهد که عامل فردی بر ایجاد SMSEs تأثیر معنی‌داری گذاشته است ($p = 0/001$)؛ این در حالی است که دو عامل دیگر یعنی محیط و سرمایه نتوانستند در مدل تحقیق تأثیر معنی‌داری بر ایجاد بگذارند ($p = 0/05$). همچنین بر اساس نتایج، عامل محیطی بر عامل فردی تأثیر معنی‌داری گذاشته است ($p = 0/001$)؛ این در حالی است که همین نتایج حاکی از نبود تأثیر معنی‌دار بین عامل محیطی و تأمین سرمایه است ($p = 0/05$). از سویی، عامل فردی بر عامل تأمین سرمایه تأثیر معنی‌داری دارد ($p = 0/001$). همچنین روابط غیرمستقیمی که متغیرها در مدل نهایی تحقیق دارند، مورد بررسی قرار گرفت که بیشترین تأثیر غیرمستقیم بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی را عامل محیطی با ضریب تأثیر ۰/۲۸ داشت.

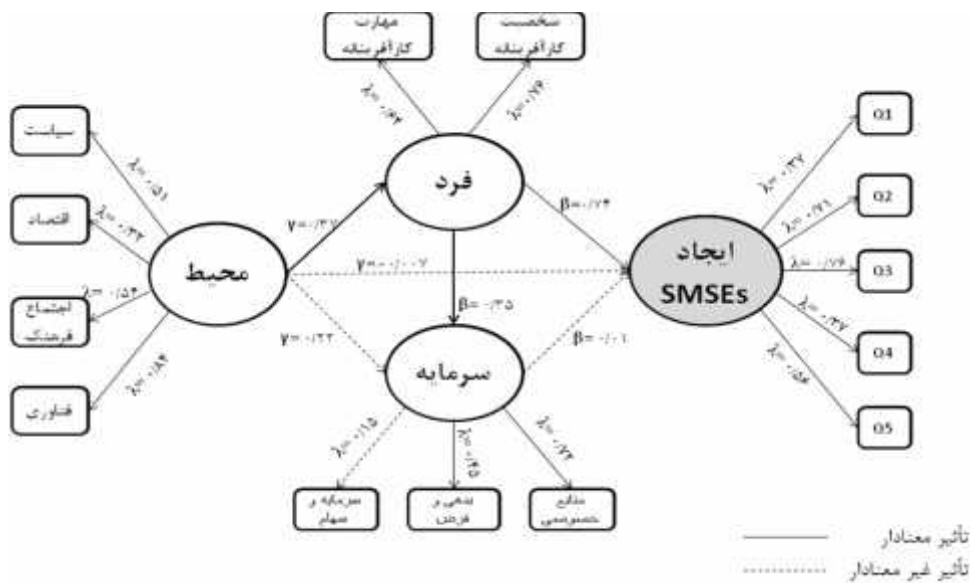
جدول ۴. آماره‌های تأثیرپذیری شاخص‌های مربوط به عوامل تحقیق

رتبه درمتغیر	نتیجه	p	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	وزن رگرسیونی غیر استاندارد	وزن رگرسیونی استاندارد	شاخص	متغیر
۳		۰/۰۰۲	۳/۱۷	۰/۲	۰/۶۶	۰/۵۲	سیاست	عامل محیطی
۴		۰/۰۱	۲/۵۸	۰/۱۱	۰/۲۸	۰/۳۲	اقتصاد	
۲	معنی‌دار	۰/۰۰۱	۷/۱	۰/۰۸	۰/۵۸	۰/۵۴	اجتماع و فرهنگ	
۱		-	-	-	۱	۰/۸۴	فناوری	
۲		-	-	-	۱	۰/۶۴	مهارت‌های کارآفرینانه	عامل فردی
۱	معنی‌دار	۰/۰۰۱	۷/۸۸	۰/۰۹	۰/۷۵	۰/۷۶	شخصیت کارآفرینانه	
۱		-	-	-	۱	۰/۷۲	منابع خصوصی	
۲	معنی‌دار	۰/۰۰۱	۳/۵۲	۰/۲۲	۰/۷۹	۰/۴۵	بدهی و قرض	عامل سرمایه
۳		۰/۱۹	۱/۳۱	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۵	سرمایه و سهام	
$2=187/67$; $RMSEA= 0/08$; $CFI=0/88$; $IFI=0/88$; $NFI=0/83$; $AGFI=0/87$; $GFI= 0/92$								شاخص‌های پذیرش

نتایج به‌دست آمده از معادلات Amos در جدول ۳ نشان می‌دهد که عامل فردی بر ایجاد SMSEs تأثیر معنی‌داری گذاشته است ($= 0/001$)؛ این در حالی است که دو عامل دیگر یعنی محیط و سرمایه نتوانستند در مدل تحقیق تأثیر معنی‌داری بر ایجاد بگذارند ($= 0/05$). همچنین بر اساس نتایج، عامل محیطی بر عامل فردی تأثیر معنی‌داری گذاشته است ($= 0/001$)؛ این در حالی است که همین نتایج حاکی از نبود تأثیر معنی‌دار بین عامل محیطی و تأمین سرمایه است ($= 0/05$). از سویی، عامل فردی بر عامل تأمین سرمایه تأثیر معنی‌داری دارد ($= 0/001$). همچنین روابط غیرمستقیمی که متغیرها در مدل نهایی تحقیق دارند، مورد بررسی قرار گرفت که بیشترین تأثیر غیرمستقیم بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی را عامل محیطی با ضریب تأثیر $0/28$ داشت.

ج ۴ نشان می‌دهد که چهار شاخص عامل محیطی، تأثیر معنی‌داری، در مدل نهایی دارند. بیشترین وزن رگرسیونی مربوط به شاخص فناوری با ضریب تأثیر $0/84$ است و بعد از آن به ترتیب اجتماع و فرهنگ $0/54$ ، سیاست $0/52$ و اقتصاد با ضریب تأثیر $0/32$ بودند. در مورد شاخص‌های عامل فردی باید گفت که شاخص شخصیت کارآفرینانه با وزن رگرسیونی $0/76$ و مهارت‌های کارآفرینانه با وزن رگرسیونی $0/64$ تأثیر معنی‌داری در مدل نهایی دارند. در شاخص‌های مربوط به تأمین سرمایه، همه شاخص‌ها به جزء سرمایه و سهام در مدل نهایی تحقیق قرار گرفتند ($= 0/001$).

همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، نتایج آزمون مدل مفهومی تحقیق حاکی از آن بود که از بین عوامل مورد مطالعه در مورد تبیین ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط، عامل فردی تأثیر مستقیم و خوبی با ضریب تأثیر $0/74$ بر متغیر ایجاد SMSEs داشت. همین عامل، بر تأمین سرمایه، تأثیر مستقیم و معنی‌داری گذاشت ($= 0/35$). این در حالی است که تأثیر غیرمستقیم عامل فردی بر ایجاد $0/05$ بود. همچنین درباره شاخص‌های تعیین‌کننده عامل فردی باید گفت که شاخص شخصیت کارآفرینانه با ضریب لامدای $0/76$ = بیشترین تأثیر و مهارت‌های کارآفرینانه با ضریب لامدای $0/64$ = در رتبه بعدی قرار گرفت.



$RMSEA=0.08$; $CFI=0.88$; $IFI=0.88$; $NFI=0.83$; $AGFI=0.87$; $GFI=0.92$	شاخص‌های برازش مدل
2=	
(ضریب گاما): اثر متغیر بیرونی بر درونی؛ (ضریب لامدا): بار عاملی هر شاخص؛ (ضریب بتا): اثر متغیر درونی بر بیرونی	

شکل ۲. نتایج آماری مدل معادله ساختاری عوامل مؤثر بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی

عامل محیطی، بر خلاف عامل فردی، نتوانست تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر متغیر وابسته تحقیق (ایجاد) داشته باشد ($\beta = -0.007$). ولی این متغیر بر عامل فردی تأثیر مستقیم و معنی‌داری داشت ($\beta = 0.37$). این در حالی است که همین عامل نتوانست بر تأمین سرمایه به طور مستقیم تأثیر معناداری بگذارد ($\beta = 0.22$). خاطر نشان می‌گردد، عامل محیطی به‌طور غیرمستقیم و از طریق عامل فردی با میزان تأثیرگذاری (0.28) توانست بر ایجاد SMSEs تأثیر بگذارد. همچنین در ارتباط با شاخص‌های تعیین‌کننده عامل محیطی باید گفت که شاخص فناوری با ضریب لامدای 0.84 بیشترین تأثیر و شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به ترتیب با ضرایب لامدای 0.54، 0.51 و 0.32 در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر (فردی، محیطی و تأمین سرمایه) بر راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی اجرا شد. بررسی یافته‌های توصیفی نشان داد که بیشتر صاحبان کسب و کارها مرد بودند و به عبارتی حضور زنان در این عرصه کم‌رنگ بوده است (0.3). همچنین بیشتر نمونه‌ها (بیش از 70٪) تحصیلاتشان دیپلم و زیر دیپلم بود که نشان‌دهنده حضور اندک

تحصیل کرده‌ها در این حوزه است. برای ارزیابی و آزمون مدل مفهومی تحقیق از نرم‌افزار Amos¹⁶ بهره گرفته شد.

عامل فردی، اولین عاملی بود که مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق مشخص شد که این عامل ضریب همبستگی خوبی ($r = 0/46$) با ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی دارد و در مدل نهایی نیز تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای ($r = 0/74$) بر ایجاد SMSEs گذاشت؛ این یافته تحقیق همسو با نتایج تحقیق مازارول و همکاران (۱۹۹۹)، ویلیاموس و ترموس (۲۰۱۱)، چان و کیوا (۲۰۱۲) و گلرد (۱۳۸۵) است. این در حالی است که برخی از محققان از نقش ناچیز عوامل فردی در تعیین فرایند ایجاد کسب و کار سخن گفته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به آلدریچ و زیمر^۱ (۱۹۸۶) اشاره کرد. وی ابراز داشته است که فرد نمی‌تواند در مورد ایجاد کسب و کار به صورت خودمختار تصمیم بگیرد و اقدام کند؛ بنابراین معقول به نظر می‌رسد که به فرایند کارآفرینانه به عنوان فرایندی نگریسته شود که در متن زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد (به نقل از مازارول و همکاران، ۱۹۹۹). لو-ئی و فرانک^۲ (۲۰۰۳) نیز تأثیر عوامل خارجی (از قبیل شبکه‌های اجتماعی فرد، تصویر کارآفرین در جامعه، هنجارهای فرهنگی- اجتماعی و موانع کارآفرینی) مؤثر بر علاقه فرد به کارآفرین شدن را خاطر نشان کردند؛ از آنجایی که رابطه به‌دست آمده بین عامل فردی و ایجاد کسب و کار، در این تحقیق، یک رابطه خوب محسوب می‌شود، می‌توان اذعان داشت که یافته‌های محققانی که از نقش اندک این عامل در پیش‌بینی و ارتباط با ایجاد کسب و کار و قصد کارآفرینانه سخن گفته‌اند، با یافته‌های تحقیق حاضر همخوانی ندارد. بنابراین، با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که عامل فردی، همچنان می‌تواند به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار در فرایند ایجاد SMES حضور داشته باشد. همچنین با تکیه بر آماره‌های به دست آمده در مدل نهایی این تحقیق مشخص شد که شاخص‌های شخصیت کارآفرینانه و مهارت‌های کارآفرینانه - که از عوامل فردی هستند - در تبیین واریانس ایجاد SMSEs نقش مهمی دارند؛ هرچند شاخص شخصیت کارآفرینانه نقش کلیدی‌تری را ایفا کرد. از این رو، نقش عوامل شخصیتی در ایجاد کسب و کار، کاملاً در این تحقیق محرز شد.

عامل محیطی، دومین عاملی بود که مورد بررسی قرار گرفت. این عامل بر خلاف عامل فردی، نتوانست تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر متغیر وابسته تحقیق (ایجاد) داشته باشد ($r = -0/007$). ولی این متغیر بر عامل فردی تأثیر مستقیم و معنی‌داری داشت ($r = 0/37$). این در حالی است که همین عامل، نتوانست بر تأمین سرمایه به‌طور مستقیم تأثیر معنی‌داری بگذارد ($r = 0/22$). از سویی، در مدل نهایی تحقیق، عامل محیطی به‌طور غیرمستقیم و از طریق عامل فردی با میزان تأثیرگذاری

1. Aldrich & Zimmer

2. Lu thje & Frank

۰/۲۸، توانست تأثیر خود را بر ایجاد کسب و کار بگذارد (شکل ۳)؛ ولی بر اساس پیشینه تحقیقاتی (مازارول و همکاران، ۱۹۹۹؛ مک فی، ۲۰۰۰؛ استرپیکنز، ۲۰۱۲)، تأثیرگذاری مستقیم و خوبی از آن انتظار می‌رفت که این حالت، در این تحقیق حادث نشد. این موضوع را شاید بتوان در فضای نامطلوب کسب و کار کشورمان جستجو کرد که گلرد (۱۳۸۴) نیز به آن اشاره داشته و ابراز داشته است که شرایط محیطی برای ایجاد کسب و کار زنان در کشور مناسب نیست. در تأیید این موضوع، خاطر نشان می‌شود که فضای کسب و کار ایران در بین ۱۸۳ اقتصاد شناخته‌شده جهان، رتبه ۱۴۴ را در سال ۲۰۱۲ کسب کرده که نسبت به رتبه ۱۴۰ در سال ۲۰۱۱ به میزان چهار رتبه افت داشته است^۱. این وضعیت، به اذعان گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ حتی بدتر هم شده است و ایران در بین ۱۸۵ کشور در رتبه ۱۵۳ قرار گرفته است. همین بررسی نشان می‌دهد که رتبه ایران در شاخص ایجاد کسب و کار، ۱۱۰ بوده و در سال ۲۰۱۴ با شش پله سقوط به ۱۰۷ رسیده است. همچنین ایران از لحاظ آزادی اقتصادی، در بین هفده کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه شانزده قرار دارد^۲. به نظر می‌رسد این فضا به قدری نامناسب است که در این پژوهش، عامل محیط، نه تنها نتوانسته است نقش مهم خود را در مدل نهایی تحقیق ایفا کند که نقش خود را به عوامل دیگری چون عوامل فردی واگذار کرده است.

عامل سرمایه به عنوان سومین عامل مورد نظر در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. برخلاف انتظاری که از اهمیت عامل سرمایه در شروع کسب و کارها می‌رفت، در این تحقیق، همان‌طور که در مدل نهایی مشخص شد، این عامل نتوانست نقش معنی‌داری را ایفا کند. این یافته با نتایج تحقیق محققانی چون پارکر و بلگیتز (۲۰۰۶) و اسمیت (۲۰۰۸) مغایرت دارد؛ همچنین ویلیاموس و تزرمس (۲۰۱۱) نیز ابراز داشتند که موجودیت سرمایه در ایجاد نقش مهمی دارد و برای شروع یک کسب و کار داشتن منابع مالی شخصی و سایر منابع بسیار تعیین‌کننده است. البته شاید نبود نقش مؤثر عوامل محیطی بر این عامل، بی‌تأثیر نبوده است. چون موجودیت سرمایه به حضور توانمند بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و فضای مناسب سیاسی و اقتصادی بر می‌گردد که با وجود تحریم‌ها، تنش‌های سیاسی و روند افسار گسیخته ارز، تورم و سایر موارد مرتبط با دولت، فضای کنونی کسب و کار در کشور، شرایط مساعدی ندارد و بی‌تردید این فضا می‌تواند بر عوامل مهمی چون تأمین سرمایه اولیه برای ایجاد کسب و کار نقش داشته باشد. لازم به توضیح است که از بین شاخص‌های تأمین سرمایه اولیه در این تحقیق، شاخص منابع خصوصی از قبیل منابع شخصی، دوستان و خانواده، بالاترین ضریب تأثیر (۰/۷۲)؛ بدهی و قرض از قبیل وام‌ها و منابع بانکی، دومین اهمیت با ضریب تأثیر (۰/۵۴) را داشتند؛ این در حالی است که شاخص سرمایه و

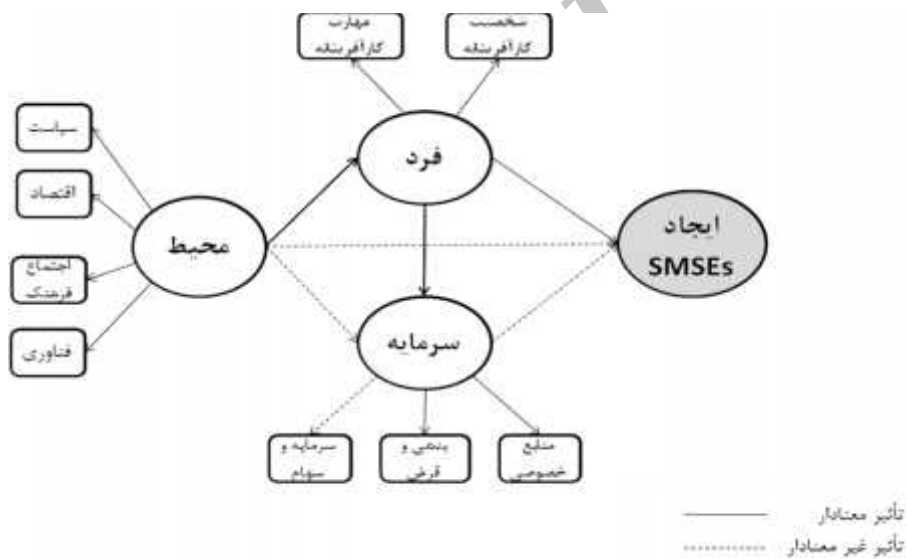
1. <http://e-sepaar.net/karmlsa/news/index.php/show/11387>

2. <http://rru.worldbank.org/besnapshots/BecpProfilePDF.aspx?economy=iran>

سهام - که بیانگر حضور افراد و شرکت‌های مخاطره‌پذیر برای سرمایه‌گذاری بود- نتوانست تأثیر معنی‌داری بر عامل سرمایه‌اولیه بگذارد که این نیز می‌تواند به دلیل خطر بالای سرمایه‌گذاری در کشور باشد (شکل ۳).

در این پژوهش، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که عوامل فردی، محیطی و سرمایه، هر کدام به‌تنهایی با SMSEs رابطه معنی‌داری دارند (۰/۰۵)؛ با وجود این و همان‌طور که نتایج نشان دادند، وقتی این عوامل با نرم‌افزار معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند و آثار آن‌ها بر یکدیگر لحاظ شد، این عامل فردی بود که توانست به‌تنهایی و به‌طور مستقیم بر ایجاد کسب و کار با ضریب تأثیر خوبی و به میزان ۰/۷۴ تأثیر بگذارد؛ هرچند عامل محیطی نتوانست به‌طور مستقیم بر ایجاد تأثیر بگذارد، ولی به‌طور غیرمستقیم تأثیرش را گذاشت (هر چند ناچیز)؛ این در حالی است که عامل سرمایه، نقش معنی‌داری را در روند ایجاد ایفا نکرد (شکل ۳).

احتمالاً، کم‌رنگ بودن عامل محیطی و به‌ویژه عامل سرمایه در مدل نهایی تحقیق را بتوان به دلیل حضور توانمند عوامل فردی دانست. به نوعی، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نقش پررنگ عامل فردی در مقایسه با سایر عوامل، تأثیر عوامل محیطی و سرمایه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است. البته خاطر نشان می‌شود که نتایج این تحقیق، نمی‌تواند و نباید ارزش عوامل سرمایه‌ای و به‌ویژه عوامل محیطی را (که حتی در این تحقیق به‌طور غیرمستقیم ۰/۲۸ بر ایجاد تأثیر گذاشت) تحت تأثیر قرار دهد. بی‌تردید، انجام تحقیقات دیگر در این زمینه می‌تواند بر این مهم صحنه بگذارد.



شکل ۳. مدل نهایی عوامل اصلی و شاخص‌های مؤثر بر ایجاد SMSEs

به‌طور کلی و بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق مشخص شد که در نهایت، عامل فردی توانست با قدرت تأثیرگذاری خوبی ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی را تبیین کند. این نتیجه تحقیق، مطالعاتی را که بر کم‌رنگ بودن عوامل فردی اشاره داشتند، تحت‌الشعاع قرار داد و بار دیگر جایگاه ارزشمند این عامل را در فرایند قصد کارآفرینانه و ایجاد خاطرنشان کرد. از بین عوامل فردی مورد مطالعه در این تحقیق، مشخص شد که شخصیت کارآفرینانه برای ایجاد SMSEs از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین این تحقیق نشان داد که داشتن مهارت‌های کارآفرینانه برای توفیق در ایجاد کسب و کار ورزشی لازم است. لازم به توضیح است که در این تحقیق، عوامل محیطی در ایجاد SMSE نقش پررنگی را ایفا نکردند و تنها تأثیر جزئی و غیرمستقیمی از طریق عامل فردی بر ایجاد کسب و کار ورزشی داشتند. همچنین عامل تأمین سرمایه نیز توانست تأثیر معنی‌داری در ایجاد کسب و کار ورزشی داشته باشد، هر چند باز هم خاطرنشان می‌شود که نتایج این تحقیق نمی‌تواند جایگاه ارزشمند دو عامل محیط و سرمایه را در مدل نهایی تحقیق - که تحقیقات دیگر بارها به اهمیت آن‌ها اشاره کرده‌اند - تحت تأثیر قرار دهد و یافته‌های این تحقیق، صرفاً در جامعه مورد مطالعه و محیط کشورمان قابل بررسی و ارزیابی است.

با توجه به نتایج این تحقیق و اهمیت عوامل فردی در راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی، به افرادی که تمایل ورود به این نوع از کسب و کارها را دارند پیشنهاد می‌شود که به عوامل فردی توجه زیادی داشته باشند. از آنجا که ویژگی‌های شخصیتی به عنوان یکی از شاخصه‌های بعد فردی نقش تعیین‌کننده‌ای در این بُعد داشت، به افراد پیشنهاد می‌شود قبل از راه‌اندازی کسب و کارها به ویژگی‌های کارآفرینانه شخصیت خود و شرکای خود (از جمله توفیق‌طلبی، خطرپذیری، تحمل ابهام و کنترل درونی) توجه کافی داشته باشند. همچنین با عنایت به اهمیت مهارت‌های کارآفرینانه (از شاخصه‌های عامل فردی) در راه‌اندازی کسب و کارهای ورزشی، پیشنهاد می‌شود در جهت کسب و ارتقای این مهارت‌ها (از جمله مهارت‌های بازاریابی، فرایندی، ارتباطی و رایانه‌ای) تلاش کنند. هر چند در این تحقیق، عوامل محیطی، تأثیر مستقیمی بر ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی نداشتند؛ ولی با توجه به تأثیر غیرمستقیم آن‌ها، توجه به موضوعات این حیطه (عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فناوری)، به مؤسسان، پیشنهاد می‌شود. به محققان دیگر نیز پیشنهاد می‌شود، عوامل موجود در این تحقیق را برای تعمق بیشتر به صورت جداگانه مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود؛ مقیمی، سید محمد (۱۳۸۸). *مبانی کارآفرینی*، چاپ هشتم، تهران، فراندیش.
- آراستی، زهرا (۱۳۸۵). *زنان کارآفرین ایرانی، ساختار فرهنگی- اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه*، نشریه پژوهش زنان، شماره ۴ (۲و۱)، صص ۹۳-۱۱۹.
- بهجت، محسن (۱۳۸۷). *مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه خود اشتغالی در بین مددجویان کمیته امداد یزد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، صص ۱-۲.
- پور کاظمی، محمد حسین (۱۳۸۸). *وضعیت راهیابی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار (ورودی سال های ۱۳۷۵-۱۳۷۴)*، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲ (۵۲)، صص ۱۵۰-۱۲۷.
- حاج کریمی، عباسعلی؛ عزیزی، شهریار؛ اخوان خرازیان، مریم (۱۳۸۸). *طراحی الگوی عوامل مؤثر بر به‌کارگیری تجارت الکترونیک در کسب و کارهای کوچک و متوسط*، دانش و توسعه، شماره ۱۶ (۲۷)، صص ۵۱-۷۸.
- خدایی، سهیلا (۱۳۸۷). *اثر اینترنت بر جهت‌دهی کانال‌های صادراتی در شرکت‌های متوسط و کوچک تولیدکننده موادغذایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- داوری، علی؛ رضایی، حمید رضا (۱۳۸۵). *نقش دولت و خط مشی‌های دولتی در توسعه کارآفرینی*، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۱ (۲)، صص ۱۰۹-۱۲۹.
- سالنامه آماری (۱۳۸۵-۶). تهران، مرکز آمار ایران.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، نسخه اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- کردنائیج، اسدالله؛ زالی، محمد رضا؛ هومن، حیدر علی؛ شمس، شهاب‌الدین (۱۳۸۶). *انبار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی*، نسخه اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- گلرد، پروانه (۱۳۸۴). *عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی*، پژوهش زنان، شماره ۳ (۱)، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- مقیمی، سید محمد؛ خنیفر، حسین؛ قادری، اسماعیل (۱۳۸۶). *بررسی مهارت‌های کارآفرینانه مدیران و اثربخشی سازمانی در کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs)*، دانش مدیریت، شماره ۷۹، صص ۹۳-۱۱۰.
- Anderson, R.L., & Dunkelberg, J.S (1990). *Entrepreneurship: Starting a New Business*, New York: Harper & Row, Publishers, 68 (1): 27-31.
- Chan, J.K., & Quah, W.B (2012). *Start-up factors for small and medium-sized accommodation businesses in Sabah, Malaysia: push and pull factors*, Asia pacific journal of tourism research, 17 (1): 49-62.
- Gartner, W (1988). *Who is an entrepreneur? Is the wrong question*, American journal of small business, 12: 11-31.
- Lu' thje, C., & Franke, N (2003). *The making of an entrepreneur. Testing a model of entrepreneurial intent among engineering students at MIT*, R&D Management, 33 (2): 135-47.
- Mazzarol, T., Volery, T., Doss, N., & Thein, V (1999). *Factors influencing small business start-ups: A comparison with previous research*, International journal of entrepreneurial behavior & research, 5 (2): 48-63.
- McPhee, I (2000). *Towards an understanding of business start-ups through diagnostic finger printing*, Management research centre, University of Wolverhampton, UK.

- Parker, S.C., & Belghitar, Y (2006). *What happens to nascent entrepreneurs?: An econometric analysis of the PSED*, Small business economics, 27 (1): 81-101.
- Schwarz, E.J., Wdowiak, M.A., Almer-Jarz, D.A., & Breiteneker, R (2009). *The effects of attitudes and perceived environment conditions on students' entrepreneurial intent An Austrian perspective*, Education + Training, 51 (4): 272-291.
- Smith, A (2004). *Complexity theory and change management in sports organizations*, Emergence: Complexity & Organization, 6: 70-79.
- Smith, P (2009). *A statistical analysis of the impact of the enterprise act 2002 on business start-ups in England and Wales*, Department for business enterprise and regulatory reform 2008, <http://bnb.data.bl.uk/id/resource/014577300>.
- Stripeikis, O (2011). *Enterprising business formation in lithuanian small and medium-sized firms, management of organizations*, Systematic Research, 57: 99-113.
- The business of sports (2010). Retrieved August 12th Sunday, 2012, from CaribbeanBusiness: Edition: Thursday July 15, 38(27). http://www.caribbeanbusinesspr.com/prnt_ed/news02.php?nw_id=3669&ct_id=10.
- Vliamos, S.J., & Tzeremes, N.G (2011). *Factors influencing entrepreneurial process and firm start-ups: evidence from central Greece*, Journal of the knowledge economy, 1-15.

Archive of SID

A model for small and medium-sized sport enterprises start-up**Azimizadeh S M.^{1*}, Ehsani M.², Kordnaeij A.³, Kozechian H.⁴, Pitts B.⁵**¹Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad,^{2, 3 & 4}Associate Professor, Tarbiat Modares University, ⁵Professor, Georgia State University, US

Received: 8 November 2013

Accepted: 29 September 2014

Abstract

Objective: Nowadays, the new enterprises are recognized as the main sources of job creation, innovation and development in today's business world. Therefore, identifying influencing factors that play key roles in the start-up of Small and Medium Sized Enterprises (SMEs) is critical.

Methodology: Thus, the purpose of this study is to analyze factors influencing Small and Medium sized sport Enterprises (SEMs) start-ups and develop a proper model. The methodology followed in this study was descriptive-correlative. The population consisted of owners of small and medium sized sport enterprises (N=1500) from which 258 persons were randomly selected. For data collection, the individual factors questionnaire including entrepreneurial character ($\alpha = .77$), entrepreneurial skills ($\alpha = .75$); environmental factors ($\alpha = .77$); capital factors ($\alpha = .77$); and the business establishment competence questionnaire ($\alpha = .81$) were used. To analyze the data, the appropriate descriptive and inferential statistics as well as the structural equation modeling with Amos₁₆ software were used.

Results: The results showed that all the three individual, environmental and capital factors had a positive and significant relationship with business establishment. However, the fitted research model showed that only individual factors could play a significant role in establishing an effective sport business; while, the environmental factor also influenced its establishment indirectly through the individual factor.

Conclusion: The findings of this research put emphasis on the importance of individual factors in the success of establishing small and medium-sized sports businesses.

Keywords: Entrepreneurship, Influential factors, Sport businesses, Start-up.

*E-mail: mortezaazimzade@um.ac.ir